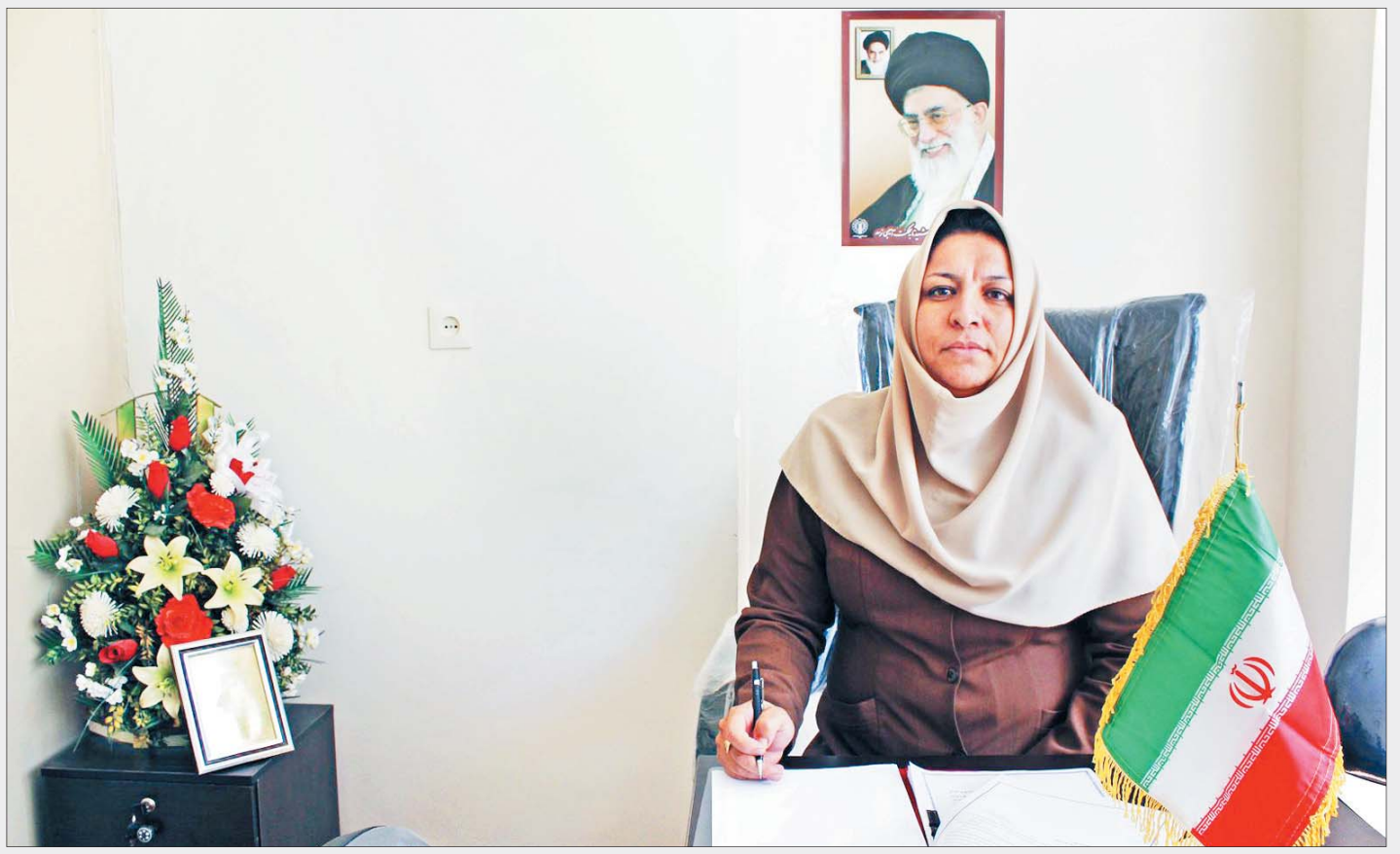

حاشیه‌ای مهم‌تر از متن در آموزش‌وپرورش

معلم خلاقی که «کارآفرین» می‌آفریند

دانش‌آموزانی که امکانات مدرسه‌شان را خودشان می‌سازند

اعظم پویان: حاشیه‌نشینی در شهر یعنی تعلیق میان شهری‌بودن یا نبودن. وقتی ناگزیر به مدرسه‌ای بروی که در حاشیه شهر است، دیگر دردت بهتر یا بدتربودن مدرسه نیست، بلکه بودن یا نبودن مدرسه است. مکانش مرکزی است و امکاناتش حاشیه‌ای. نیمکت‌های سه‌نفره، کلاس‌های شلوغ، تنبیه معلم و مدرسه‌های چندشیفت و هرآنچه این روزها برای دهه شصتی‌ها خاطره‌بازی است، برای بسیاری از دانش‌آموزان مدارس حاشیه‌نشین و دورافتاده واقعی است. در حاشیه که باشی کمتر فرصتی برای جور دیگر زندگی‌کردن فراهم می‌شود. هرچه هست همانی است که برای پدر و پدربزرگ‌ها بوده و دراین‌میان دانش‌آموزانی که ناخواسته و نادانسته محکوم به ماندن در چرخه حاشیه‌نشینی هستند. در مدارس حاشیه‌ای، دور از رقابت برای آموختن، نسلی ساخته می‌شود که از خانه و مدرسه مانده‌اند و از جامعه رانده شده‌اند. در مخمصه یک‌نواختی درس‌ها و مطالب محتوایی کتاب‌ها به روزمرگی می‌روند. حتی به مخیله‌شان هم خطور نمی‌کند که می‌توان جور دیگری زیست. فرصت بودن در کنار دیگری‌هایی از جنس غیرخودشان را ندارند و ازسوی دیگر برای همیشه حاشیه‌نشین ذهن دیگری‌های مرکزنشین می‌مانند. اگر تعداد اندکی هم به رقابت ناعادلانه کنکور برسند و از آن عبور کنند، تازه در آن‌سوی این سد بزرگ می‌فهمند چه جفاهایی بر آنها رفته و همین می‌شود شروع آسیب‌های بزرگ اجتماعی نسل دانش‌آموخته حاشیه شهرها. در میان تمام این تنگناها باید بسیار خوش‌شانس باشی که فرصت آشنایی با معلمی از جنس دیگر را تجربه کنی.

بهترین دانش‌آموزان روی زمین کجا هستند؟

مهتاب یزدانی، مدیر دبیرستانی در شهرستان بجنورد است که توانسته از فرصت حاشیه‌نشینی برای دانش‌آموزانش سکوی پرشی بسازد و به پرورش فکر و خلاقیت‌شان بپردازد. در طول گفت‌وگویمان صحبتی از تعداد قبولی دانش‌آموزانش در کنکور نمی‌کند. او برنامه‌های بلندمدت‌تری برای دانش‌آموزانش برنامه‌ریزی کرده است. کارکردن روی هوش کودکان آن منطقه پیش از دبستان و پرورش مهارت‌های کارآفرینی در دوره‌های سنی بالاتر برای دانش‌آموزان مدرسه‌اش از او یک معلم اسطوره ساخته است. یزادنی مدیر دبیرستان دخترانه «۱۵ خرداد» در حاشیه شهرستان بجنورد است که با بودجه دولتی اداره می‌شود اما حال‌وهوای مدرسه‌اش رنگ‌وبوی دیگری دارد. خبری از کمبود امکانات نیست زیرا به دانش‌آموزانش یاد داده با ایده‌هایشان زندگی کنند. یزدانی می‌گوید: «سعی کرده با کمک دانش‌آموزانش از دورریزها استفاده کرده و فضای مدرسه را به مکانی دوست‌داشتنی تبدیل کنند». از ساختن گلدان‌های حیاط مدرسه با تیوپ گرفته تا قاب‌های روی دیوار همه دست‌ساز خود بچه‌هاست. دیوارهایی که با چهره‌های زنان موفق نقاشی شده تا همه چیز دست‌به‌دست هم دهد و به همت خانم مدیر مدرسه «۱۵ خرداد» دانش‌آموزانی کارآفرین آفریده شوند. از او می‌پرسم مایل است به مدرسه دیگری که امکانات بهتری دارد برود؟ می‌گوید: «من در سال ۸۶ رتبه دوم الگوی برتر را کسب کردم و پیشنهاد تدریس در مدارس دیگری هم داشتم اما نپذیرفتم. در مدارس دولتی هیچ حامی نیست اما بهترین بچه‌های روی زمین را در این مدارس می‌توان کشف کرد».

نداشتن، آدم را مخترع می‌کند!

با ذوق از افتخارات دانش‌آموزانش در جشنواره‌های داخلی و خارجی می‌گوید. از دانش‌آموزی می‌گوید که پدرش وانت دارد و خانواده ساده‌ای هستند اما در دوبی رتبه کسب کرده و به عنوان کوچک‌ترین کارآفرین در دانشگاه امیرکبیر انتخاب شده است. این روزها دغدغه خانم مدیر این است که دانش‌آموزان خلاق و خودکفایی را پرورش دهد. او می‌گوید: «می‌خواهم دانش‌آموزانم یاد بگیرند صنعتی و اقتصادی فکر کنند و همه‌شان کارآفرین شوند». می‌گوید: «دانش‌آموز من باید بداند مشکلاتی که دم‌دستش هستند بهترین وسیله برای یادگیری است و کمک می‌کند تا ذهن خلاقی داشته باشد. تجهیز وسایل آزمایشگاهی هم با همین وسایل دم‌دستی‌شان تأمین می‌شود».در دبیرستان «۱۵ خرداد» بجنورد دانش‌آموزان یاد می‌گیرند هرچه خراب شد باید درست کنند و آدم‌ها از روی نداشتن‌هایشان به اختراع می‌رسند. یزدانی از برنامه‌هایی که برای دانش‌آموزانش دارد، می‌گوید. یکی از مسئولان را به کافی‌شاپ دعوت کرده و از دانش‌آموزانش خواسته در آنجا درباره گردشگری در استان خراسان جنوبی گفت‌وگو کنند. می‌گوید: «برایم مهم است بچه‌هایم اول استان خودشان را بشناسند. درواقع اگر بخواهد رشدی اتفاق بیفتد باید ابتدا فرهنگ و آداب و رسوم خودشان را بشناسند». دختران مدرسه ۱۵خرداد بجنورد در کلاس‌های کارآفرینی قدرت و جرئت ریسک‌کردن را می‌آموزند. یزدانی می‌گوید: «اگر معلم ما خلاق باشد به دانش‌آموزش جرئت می‌دهد. این در حالی است که بسیاری از معلم‌های ما حتی جرئت خروج از کاغذبازی‌های ساختار آموزش و پرورش را ندارند، درصورتی‌که این ذهنیت را برای من معلم ایجاد کرده‌اند. ذهن من معلم باید رها باشد تا دانش‌آموزم را متناسب با شهر و دیاری که در آن زندگی می‌کند پرورش دهم».

> **اگر معلم ما خلاق باشد به دانش‌آموزش جرئت می‌دهد. این در حالی است که بسیاری از معلم‌های ما حتی جرئت خروج از کاغذبازی‌های ساختار آموزش و پرورش را ندارند، درصورتی‌که این ذهنیت را برای من معلم ایجاد کرده‌اند. ذهن من معلم باید رها باشد تا دانش‌آموزم را متناسب با شهر و دیاری که در آن زندگی می‌کند پرورش دهم**

سیاست‌گذار از حال‌وهوای شهر من خبر ندارد

در روزگاری که ناپایداری در سیاست‌های حوزه آموزش هرروز پررنگ‌تر می‌شود به‌طوری‌که با تغییر دولت‌ها تغییرات بسیار زیادی در حوزه آموزش دیده می‌شود، با همراهی بدنه اجرائی و آموزشی با سیاست‌های ستادی شاهد عقب‌افتادن بیش‌ازپیش مدارس از دانش‌آموزانش هستیم. دانش‌آموزانی که به قول خانم یزدانی از معلمان‌شان جلوتر افتاده‌اند و افسوس که سیستم آموزشی ما هنوز به فکر تغییر تأثیرگذاری نیفتاده است. یزدانی می‌گوید: «سیاست‌گذار نمی‌داند در بطن زندگی دانش‌آموزان من در حاشیه شهر چه می‌گذرد. سیاست‌گذاری‌ها در کشور ما که قومیت‌های مختلف دارد باید متفاوت باشد. شهرستان‌ها ناگزیر از برنامه‌های سیاست‌گذار همیشه عقب‌تر هستند. دلیلش تفاوت در فرهنگ شهرهای مختلف است. شهر من هنوز غرق در قبولی دانش‌آموزانش در کنکور است درحالی‌که بهترین دانش‌آموز من که در تهران مکانیک خوانده است حالا دیگر در شهر پیتزافروشی باز کرده است. نمی‌توان با یک برنامه ثابت همه‌جا را یکسان مدیریت کرد. من هم به عنوان یک مادر دو فرزندم را با یک روش تربیتی یکسان بزرگ نمی‌کنم. هرکدام ویژگی‌های خاص خودشان را دارند». خانم مدیر خلاق شهر بجنورد، امیدوار است روزی سیستم آموزشی اصرار بر حفظ آنچه هست نداشته باشد و کمی به سمت تغییر برود. سیاست‌گذار نمی‌داند در بطن زندگی دانش‌آموزان من در حاشیه شهر چه می‌گذرد. سیاست‌گذاری‌ها در کشور ما که قومیت‌های مختلف دارد باید متفاوت باشد. شهرستان‌ها ناگزیر از برنامه‌های سیاست‌گذار همیشه عقب‌تر هستند. دلیلش تفاوت در فرهنگ شهرهای مختلف است. در سال ۸۶ رتبه دوم الگوی برتر را کسب کردم و پیشنهاد تدریس در مدارس دیگری هم داشتم اما نپذیرفتم. در مدارس دولتی هیچ حامی نیست اما بهترین بچه‌های روی زمین را در مدارس دولتی می‌توان کشف کرد.

ناکارآمدی مؤثرترین ضلع تضمین کیفیت در آموزش‌عالی

کمیت بی‌کیفیت آموزش در ایران

احمد بنی‌اسدی، دانشجوی دکترای دانشگاه تربیت مدرس تهران: از چالش‌های اصلی آموزش عالی ما بی‌کیفیتی در برابر کمیت کم‌نظیر آن است. این کارایی و کیفیت مورد چالش، نمی‌تواند وابسته به یک مؤلفه باشد. در این مطلب نشان خواهیم داد که یکی از مؤثرترین مؤلفه‌ها در تضمین کیفیت این نهاد نقش و رسالت اعضای هیئت علمی است؛ نقش و رسالتی که اکنون به‌درستی ایفا نمی‌شود. ذکر این مطلب بیشتر به روح حاکم بر آموزش عالی کشور نظر دارد و به هیچ روی درصدد نادیده‌گرفتن تلاش استادان دلسوزی که وجه همت خود را تعالی فردی و اجتماعی به معنای واقعی کلمه می‌دانند، نیست.

حاشیه شغلی امن

یکی از معضلات جدی در این زمینه حاشیه امن و امنیت شغلی بالای استادان است. اگر چه ممکن است نسبت به بسیاری از کشورها حقوق و مزایای مادی استادان در ایران ناچیز یا کم باشد؛ اما در عوض «مقام استادی» به عنوان شغل از حاشیه امن بالایی برخوردار است که این می‌تواند زمینه فساد علمی را به دنبال داشته باشد. این مورد هنگامی چالش بیشتری را ایجاد می‌کند که استادان با حوزه بیرون از دانشگاه بر سر کسب کرسی استادی یا حفظ و نگاه‌داشت آن چندان رقابتی ندارند و تمامی رقابت درون‌گروهی و داخلی است. خود همین رقابت درون‌گروهی نیز به معنای سست‌شدن ارکان کرسی مورد بحث نیست، بلکه بیشتر معطوف به طی مدارج بالاتر و کسب امتیازات بیشتر است. در چنین شرایطی اگر عنصر وجدان و اخلاق حرفه‌ای فراگیر نباشد، چه ضرورتی برای بازاندیشی در آرا و افکار یا به‌روزرسانی در دانش و مهارت‌های فردی احساس می‌شود؟ روشن است این ثبات شغلی هیچ فشار بیرونی و نیروی محرکی را برای استاد به‌دنبال نخواهد داشت، بلکه بر عکس زمینه تنبلی بی‌تحرکی بیشتر او را رقم خواهد زد. ایجاد رقابت با افراد بیرون از جرگه استادی و کاستن از امنیت شغلی در صورت کم‌کاری در حوزه پژوهشی و آموزشی بی‌تردید می‌تواند تحرک و پویایی خاصی را در بین استادان به وجود آورد. این رقابت‌پذیرشدن آموزش عالی اگرچه در ابعاد اقتصادی می‌تواند چالش‌هایی را ایجاد کنند، اما به‌یقین در بخش آموزشی و پژوهشی می‌تواند تحولی را رقم زند. کوتاه سخن آنکه، آنگاه که معیار ماندگاری به‌روزبودن دانش و تخصص در روش و رویکرد استادی باشد، سرآمدی واقعی حاصل و امنیت شغلی بجا تضمین شده است.

رقابت درونی ناسالم

همچنان که گفته شد، به جای رقابت‌های سالم آموزش عالی در سطوح گوناگون درگیر رقابت‌های ناسالم درون‌گروهی است که عمده‌ترین آنها افزایش رتبه علمی است. بر این اساس مبتنی بر آیین‌نامه‌های موجود تمام تلاش معطوف به کسب امتیازات لازم -که بیشتر جنبه کمی دارند - خواهد شد. کیفی‌سنجی و بررسی پیامدهای آموزشی و پژوهشی استادان به محاق فراموشی سپرده می‌شود و برعکس تعداد هدایت پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی معیاری برای ارتقا درنظر گرفته می‌شود. به عبارت ساده‌تر در اینجا مسئله این نیست چه، چگونه و چرا به سرانجام می‌رسد، بلکه مهم آن است که به سرانجام برسد.

رقابت بیرونی ناممکن

برخلاف مورد قبل ما شاهد هیچ‌گونه رقابت هم‌ترازی بین اعضای هیئت علمی با خیل مشتاقان پیوستن به این عرصه در بیرون دانشگاه نیستیم. به عبارت ساده‌تر اگر در بیرون دانشگاه فردی دارای سواد و پژوهش‌های علمی گوناگون و لازم باشد امر راحتی نیست که با استاد کرسی‌دار در دانشگاه به رقابت پرداخته و بتواند جایگاه او را سلب کند. بلکه اساسا چنین عرصه‌ای برای رقابت وجود ندارد. ازهمین‌روی «برج عاج‌نشینی و خرما بر نخیل» استعاره مناسبی برای چنین وضعیتی است. روشن است در چنین وضعیتی هم عامل بیرونی وجود ندارد که استاد داخل دانشگاه را به تحرک و پویایی وادارد.

بنگاه‌های تولید پژوهش و سکوت معنادار

وجود مؤسسات فراگیر پایان‌نامه‌نویسی و نگارش مقاله حتی در برابر بزرگ‌ترین دانشگاه کشور که به عقیده کارشناسان یکی از نادرترین پدیده‌های آموزش عالی جهان می‌تواند محسوب شود، معضل دیگری است که امروز نهاد آموزش عالی ما با آن مواجه است. سؤال اساسی این است که نقش بارز و کنشگری مطلوب اعضای هیئت علمی دراین‌باره چه بوده است؟ بر فرض که افراد سودجویی وجود دارند و در پی ویران‌کردن بنیاد پژوهش هستند، اما چگونه ثمره کار این مراکز از سد جلسه دفاع و داوری عبور می‌کند. چنانچه ملاحظه می‌شود، اگر در این مورد هم اعضای هیئت علمی رسالت خود را به‌خوبی به انجام می‌رساندند قطعا مانع بزرگی بر سر راه تکثیر این مراکز ایجاد شده بود. هرچند دراین‌باره سؤالات بسیار است اما یکی از ساده‌ترین‌های آنها عبارت است از اینکه چگونه استادی نمی‌تواند تشخیص دهد پایان‌نامه یا مقاله را خود دانشجو نوشته است یا دیگری؟! پایش و پویش در عرصه پژوهشگری از وظایف اصلی عضو هیئت علمی بوده و در این زمینه نقش برجسته‌ای برعهده دارد. استاد یا در مقام راه‌بلد و راهنما است یا در مقام داور. اگر در مقام راهنماست به‌ثمرنشستن اثری بی‌کیفیت و غیرعلمی حتما به او مربوط است و اگر این اثر از دیوار جلسه دفاع نیز عبور کند که هر دو؛ یعنی استاد راهنما و استاد داور مقصر خواهند بود. در همین زمینه افزایش بی‌رویه کمیت در ورودی‌های آموزش عالی - به‌ویژه تحصیلات تکمیلی- با انواع توجیهات که سرانجام به ثمر نشست و در یکی، دو دهه دیگر باید ثمره آن و تأثیرش را بر کیفیت آموزش عالی به انتظار نشست چه حرکت شایسته و بازدارنده‌ای از جانب اعضای هیئت علمی مشاهده شد. بلکه برعکس در بسیاری از موارد مبتنی بر نگاه کاسب‌کارانه آن را فرصتی برای ارتقا و تولید آثار خود تلقی کردند یا در خنثی‌ترین حالت آن را واگذار به قانون‌گذار کردند و بی‌واکنشی را پیشه خود کردند. در این زمینه واکنش درخوری مشاهده نشد. همچنان‌که در بحث هدایت پایان‌نامه‌ها هنگامی که افزایش سیل‌گونه‌ای در جذب دانشجو رخ داد در آیین‌نامه‌های هدایت پایان‌نامه نیز ظاهرا تغییراتی صورت گرفت و معیارها تنزل پیدا کرد. بدیهی است این تنزل در راستای تسهیل‌گری بوده است اما سؤال اینجاست که این تسهیل‌گری به چه قیمتی؟ اگر بپذیریم معیار صرفا افزایش تعداد پایان‌نامه‌ها نیست، بلکه از این پایان‌نامه‌ها انتظاری می‌رود باید پرسید معیار مفیدبودن پایان‌نامه‌های موجود چیست؟ اگر مقدار قابل‌توجهی از این پایان‌نامه‌ها معدوم شود چه خطر بزرگی دستاوردهای آموزش عالی کشور را تهدید می‌کند؟

تکرار چرخه ناکارآمدی

اگر به مدارا بپذیریم که ورود به عرصه هیئت علمی چرخه سالمی دارد و مبتنی بر دو عنصر کلی تعهد و تخصص سامان‌یافته باشد، آنگاه می‌توان انتظار داشت در صورت وجود کیفیت مقبول در حال حاضر در آینده نیز کم‌وبیش شاهد این میزان از کیفیت باشیم. اما اگر در حال حاضر کیفیت چنگی به دل نزند و در ادامه جایگزینی هیئت‌علمی‌های حال حاضر هم تحولی رخ ندهد مثلا، جذب هیئت علمی از دانشگاه‌های معتبر دنیا که زیرساخت‌های آن موجود نیست، آنگاه پرواضح است که در یکی، دو دهه پیش‌روی مؤلفان همین پژوهش‌های بی‌کیفیت به عرصه هیئت علمی راه خواهند یافت. بدیهی است در چنین وضعیتی از الان می‌توان آینده‌نگری کرد که سیر کیفیت در آموزش عالی ما سیر صعودی نخواهد داشت.

نگاه

سازماندهی برنامه درسی در خدمت پیش‌دبستانی

پروین احمدی
دانشیار دانشگاه الزهرا (س)

اهمیت سال‌های پیش‌دبستان به عنوان مرحله حساس در یادگیری و آموزش بر کسی پوشیده نیست. ضرورت‌های علمی، تحقیقاتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در رشد و گسترش مراکز پیش‌دبستانی در کشورهای مختلف مؤثر بوده است. در ایران نیز با تحول بنیادین نظام آموزش‌وپرورش، ساختار نظام آموزش‌وپرورش به صورت نظام (۳+۳+۶+۱ سال) به وجود دوره پیش‌دبستان صراحت دارد. مطابق با سند برنامه درسی ملی، «سن شروع دوره پیش‌دبستان، پنج سال تمام بوده و برنامه این دوره رسمی، عمومی و اجباری است و ازسوی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ارائه خواهد شد و با توجه به ویژگی‌های کودکان منعطف و سیال است. البته میزان حضور نوآموزان در مراکز پیش‌دبستانی انعطاف‌پذیر بوده و بنا بر شرایط و نیاز آنها و به تشخیص مرکز مربوطه تعیین خواهد شد (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱). در سند ملی آموزش‌وپرورش (۱۳۹۰)، با عنوان هدف کلان سوم، گسترش و تأمین همه‌جانبه عدالت تربیتی؛ در نظام تربیت رسمی و عمومی از اهداف نهاد آموزش‌وپرورش شناخته شده است. در این راستا، هدف عملیاتی آن، بسط عدالت در دسترسی به فرصت‌های تربیتی برخوردار از کیفیت، برای آحاد جمعیت لازم‌التعلیم کشور بیان شده و راهکارهایی برای آن برشمرده شده است که در ذیل به چهار راهکار مربوط به بحث حاضر اشاره می‌شود: ۱- جلب مشارکت فعال نهادهای فرهنگی در توسعه فرهنگ عمومی برای مطالبه و گسترش فرصت‌های تربیتی برخوردار از کیفیت / ۲- بومی‌سازی و اجرای برنامه «آموزش برای همه» / ۳- تعمیم آموزش‌های موسوم به پیش‌دبستانی به‌ویژه در مناطق محروم و نیازمند / ۴- توانمندسازی مربیان ساکن در مناطق محروم، روستاها، حاشیه شهرها، عشایر کوچ‌رو و همچنین مناطق دوزبانه و با نیازهای ویژه، از توسعه فرصت‌های دسترسی به آموزش‌های با کیفیت معیار. یافته‌های تحقیقات ملی و بین‌المللی حاکی از آن است عملکرد تحصیلی کودکانی که زبان مادری آنها متفاوت از زبان آموزش است ضعیف‌تر بوده و بر ضرورت اجرای دوره پیش‌دبستان برای این کودکان و تأثیر آموزش پیش‌دبستان بر رشد زبان این کودکان تأکید داشته‌اند. توجه به برنامه‌های درسی و محتوای آموزشی در دوره پیش‌دبستان با تأکید بر مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی و زبانی از جمله اولویت‌های آموزش‌وپرورش در راستای برقراری عدالت آموزشی است. محتوای برنامه درسی از عناصر مهم نظام آموزشی است که به طور مستقیم بر دانش، نگرش و رفتار و به طور کلی شخصیت یادگیرنده تأثیرگذار است. عنصر محتوا در برنامه درسی، شامل دانش (مفاهیم و نظریه‌ها)، نگرش (ارزش‌ها، گرایش‌ها و باورها) و مهارت‌ها (فعالیت‌ها)یی است که آموزش داده شده یا آموخته می‌شود. محتوای باکیفیت و غنی در برنامه درسی پیش‌دبستان نه‌تنها کودکان را برای یادگیری درسی آماده می‌کند، بلکه در رشد مهارت‌های عاطفی، اجتماعی و ارتباطی آنان نیز مؤثر است. براساس مصوبه ۷۷۰ جلسه شورای عالی آموزش‌وپرورش مورخ ۱۳۸۷/۴/۲۵ محتوای متداول در دوره پیش‌دبستان شامل: انس با قرآن، قصه، شعر و سرود، بازی، نقاشی، کاردستی، نمایش خلاق، بحث و گفت‌وگو، مشاهده، آزمایش، گردش علمی، تماشای فیلم و نحوه استفاده از فناوری‌های جدید است. این فعالیت‌ها در فرایند تولید محتوای آموزشی، با نگاه تلفیقی به حوزه‌های یادگیری دینی، اجتماعی، هنری، ریاضی، تربیت بدنی، علوم و طراحی و با هدایت مربی، به روش فعال به اجرا درمی‌آیند. به استناد ماده ۵ اساسنامه دوره پیش‌دبستان، محتوا و مواد آموزشی این دوره در چارچوب راهنمای برنامه درسی به صورت غیرمتمرکز تهیه می‌شود. بدین منظور، کارگروه‌های ویژه در هر استان متولی تولید محتوای دوره پیش‌دبستان بوده و تولیدات خود را متناسب با شرایط بومی، محلی و فرهنگی منطقه خود تدوین کرده و پس از بررسی و تأیید کارشناسان دفتر تألیف کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش‌وپرورش به اجرا درمی‌آورند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، محتوای غالب در دوره پیش‌دبستان در قالب فعالیت (مهارت) و به صورت درهم‌تنیده و تلفیقی طراحی و تدوین می‌شود. ایده تلفیق برنامه درسی (curriculum integration) شناخته‌شده‌ترین و رایج‌ترین رویکرد طراحی برنامه درسی در پیش‌دبستان است. تلفیق برنامه درسی، درهم‌آمیختن و ارتباط‌دادن محتوای برنامه درسی (اعم از دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌ها در موضوعات درسی مختلف) به منظور تحقق انسجام تجربیات یادگیرندگان است. تحقیقات متعدد به تأثیر مثبت و سازنده رویکرد تلفیقی (درهم‌تنیده، یکپارچه) در دوره‌های مختلف تحصیلی به‌ویژه، دوره پیش‌دبستان بر پیشرفت تحصیلی و بیش از آن بر رشد مهارت‌های عاطفی و اجتماعی کودکان اذعان داشته‌اند. در این رویکرد، پیش و بیش از آنکه به ماهیت موضوع درسی و دانش اندوخته‌شده و معرفت سازمان‌یافته در دروس مختلف متمرکز شود، بر علائق و نیازها و شرایط و مقتضیات یادگیرنده تمرکز دارد. به‌اصطلاح، محتوا براساس «نظم روان‌شناختی» و نه «نظم منطقی» تنظیم می‌شود. در واقع تفاوت‌های فردی و منحصربودن هر یادگیرنده در سبک یادگیری مورد توجه قرار می‌گیرد و این امر خود موجب جذاب‌بودن و برانگیزنده‌بودن آموخته‌ها و تجربیات یادگیری خواهد بود. این رویکرد به‌ویژه برای برنامه درسی مناطق دوزبانه که از ویژگی خاصی برخوردارند بسیار مفید است. به منظور طراحی و تدوین برنامه درسی پیش‌دبستان براساس رویکرد تلفیقی فرایند زیر توصیه می‌شود: ۱- انتخاب تم یا مضمون اصلی (موضوع، فعالیت، مهارت یا مسئله) مورد علاقه کودک و مورد توافق کودک و مربی / ۲- انتخاب موضوع‌های مرتبط با مضمون اصلی از مواد درسی مختلف یا منابع گوناگون (با تأکید بر موضوعات زبان‌آموزی) / ۳- طراحی فعالیت‌های گوناگون مرتبط با موضوع‌های انتخاب‌شده و متناسب با سطوح یادگیری و تفاوت‌های فردی یادگیرندگان (با تأکید بر مهارت‌های زبان‌آموزی). / ۴- انتخاب مواد و وسایل عینی، واقعی و طبیعی از محیط زندگی کودک / ۵- زمان‌بندی برنامه درسی در قالب واحدهای کار مشخص و محدود و کوچک به صورت روزانه یا هفتگی. / ۶- ارزشیابی توصیفی (کیفی) فعالیت‌ها از طریق پوشه کار، مشاهده مربی، خودارزیابی یادگیرنده و بازخورد هم‌سالان و والدین کودک. تحقق برنامه فوق، مستلزم برنامه‌ریزان درسی و مربیان آشنا با رویکرد طراحی و تدوین برنامه‌های درسی تلفیقی است. آموزش‌های قبل از خدمت و ضمن خدمت مربیان دوره پیش‌دبستان اجتناب‌ناپذیر است و در این راستا، همکاری مسئولان و کارکنان مرکز پیش‌دبستانی و توجیه آنان، همچنین همکاری و توجیه والدین کودکان و ارتباط مستمر آنان با مربی و هماهنگی خانه و مرکز پیش‌دبستانی بسیار حائز اهمیت است. نقض غرض خواهد بود چنانچه تلاش‌ها و فعالیت‌های مربی در پیش‌دبستان به وسیله گفتار و کردار والدین مورد سؤال و تردید قرار گیرد و دوگانگی در آموزه‌های خانه و مرکز پیش‌دبستانی به وجود آید.